

آزادی رسانه ای و محدودیت های وارد بر آن

فرشاد فولادی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۱/۱۵

چکیده

آزادی بیان به عنوان یکی از مهم ترین حقوق بنیادین بشر به شمار می آید. آزادی رسانه یکی از پیش فرض های ضروری برای تحقق یک جامعه دموکراتیک از مهم ترین اشکال آزادی بیان است. این حق به دلیل چند وجهی بودنش ممکن است با سایر حقوق در تعارض باشد، پس نمی توان آن را به عنوان یک حق مطلق به حساب آورد. امروزه این حق با اینکه در اسناد بین المللی و داخلی به رسمیت شناخته شده است اما با محدودیت هایی مواجه می باشد. در این تحقیق ضمن بررسی آزادی رسانه ای و مصادیق آن، به تحلیل مهم ترین محدودیت های وارد شده به این حق خواهیم پرداخت؛ و رابطه ی دیرینه و چالش برانگیز آزادی و محدودیت را واکاوی می کنیم.

واژگان کلیدی

آزادی بیان، آزادی رسانه ای، امنیت ملی، حریم خصوصی

۱. دانشجوی دکتری تخصصی حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران. f.foladi@iaui.ir

مقدمه

حقوق بشر، از جمله حقوقی است که هر کس از حیث انسان بودن، از آن برخوردار است. یکی از این حقوق غیرقابل سلب که در نظام بین المللی حقوق بشر بر آن تأکید شده، حق آزادی بیان است. این حق، فراگیرترین شکل آزادی است که به طور خاصی با تمام اشکال آزادی ارتباط می یابد.

آزادی بیان در طول تاریخ، از آرمانهای بشری بوده و بشریت در راه تحقق این حق، هزینه های زیادی متحمل شده است. آزادی بیان با تمام ابزارهای ممکن مانند مطبوعات، سینما، رادیو، تلویزیون، هنرهای تجسمی و... حق بشری بسیار مهم با ابعاد اساسی و مفهومی آمیخته با دموکراسی است. این حق، کلید حمایت از تمامی حقوق بشری و صیانت از کرامت انسانی و یک مفهوم بنیادین برای حفظ حقوق فردی است.

حق آزادی بیان، همانند بسیاری از حق های بشری به جهت ارتباط با حقوق سایر افراد، دچار تحدید شده و گستره اعمال آن محدود می شود. اعمال نامحدود حق ها، اگرچه بنیادین، خود به نقض حق های بشری منتهی خواهد شد. آزادی مطلق بیان نیز میتواند به حق سایر افراد جامعه بر حیثیت، آبرو، امنیت و منافع ملی جامعه آسیب وارد کند و آن را به خطر اندازد. در برخی موارد، ممکن است جلوه های این آزادی احساسات و عواطف انسانی را نیز دچار آسیب سازد و چه بسا با برانگیختن آنها زمینه نقض حق های بشری دیگری را فراهم آورد؛ بنابراین حق بر آزادی بیان، بنا به جهات فوق، از گستره اطلاق بیرون آمده و سر در تقیید و تحدید فرود میآورد. به دیگر سخن، آزادی بیان، حقی است که در برخی موارد تحدید شود و این امر در نگرش حقوق بشر کاملاً موجه است. از همین رو بنا بر ملاحظات مختلف، ضروری است محدودیت هایی بر آن وارد شود.

محدودیت پذیری موجه این حق، آن را به حقی شکننده و لغزنده تبدیل میکند. قدرت ها با تمسک به همین موارد، امکان توجیه محدودیت را برای افکار عمومی دارند و میتوانند با پوششی به ظاهر حق محورانه و به واقع اقدامات خلاف و ناقض حق، از عناوین یادشده استفاده سوء کرده و هرگونه صدای مخالفی را خاموش کنند. همین نوع بهره‌مندی نادرست نسبت به اقدام اکثریت، در تقابل اقلیت نیز محتمل است؛ به عبارت دیگر، قدرت یا اکثریت در جامعه میتواند با تمسک به توجیهای ظاهراً اقناع کننده، اقدامات خلاف بشری خود را در پشت نقاب تحدیدات ضروری و موجه پنهان کند.

همین امر، ضرورت تعیین ملاک و مبنا نسبت به هرگونه محدودیت را موجه و ضروری میکند. برخی اندیشمندان، ضمن پذیرش تعیین حد و مرز حقایق بشری و از جمله آزادی بیان، به منظور پیشگیری از تحدید ناموجه و استفاده سوء، بر آناند که این عرصه نیازمند تعیین ملاک و معیار برای محدود کردن است. آنها اصل عقلانی و اخلاقی لاضرر را به عنوان سنجهای شایسته برای ارزیابی تحدید موجه از ناموجه معرفی می کنند. به منظور رهایی از آسیبهای استناد به این اصل نیز باید ضرر به گونهای محدود و حداقلی تفسیر شود، به نحویکه آزادی بیان، اصل و محدودیت، کاملاً استثنایی در نظر گرفته شود.

گفتار اول - کلیات

در گفتار اول به سراغ مباحث عمده و کلیدی پژوهش خواهیم رفت؛ و در گفتار اول به بنیان آزادی رسانه ای یعنی حق بنیادین آزادی بیان خواهیم پرداخت و در گفتار دوم چیستی رسانه و حقوق مرتبط با آن را بررسی می کنیم.

۱- آزادی بیان

آزادی بیان را میتوان مهم ترین و بنیادی ترین حق در حقوق رسانه دانست. آزادی مطبوعات، آزادی رادیو و تلویزیون، آزادی سینما، آزادی نمایش و آزادی هنرهای تجسمی همگی ریشه در این آزادی دارند و از آن متاثر اند.

آزادی بیان و عقیده از یکدیگر جدانشدنی نیستند و این دو حق مکمل هم اند. در تعریف آزادی بیان می توان چنین گفت که «حق بیان اندیشه، باور و سلیقه است که شهروندان باید از آن بهره مند باشند و این بیان میتواند بصورت فردی یا اجتماعی، کتبی یا شفاهی باشد»^۱ و در تعریف آزادی عقیده «حقی که افراد بتوانند، به انتخاب خود، در هر زمینه ایی که اشتغال ذهنی داشته باشند، خواه این اشتغال امری باطنی و درونی و خواه به صورت موضعگیری عمومی باشد، یعنی آنکه هر کس بتواند، به دور از هر تحمیل و فشاری، بیندیشد و بدون ترس باور خود را بیان نماید»^۲ بیان شده است.

آزادی بیان در معنای عام نه تنها شامل آزادی در گفتار و نوشتار می شود بلکه شامل هر نوع رفتاری می شود که حاوی یک پیام باشد، نظیر طرز پوشش لباس، مناسبتهای مختلف اجتماعی، برگزاری راهپیمایی ها و... به بیان دیگر این معنا از آزادی بیان شامل هر نوع انتقال عقاید یا نظریات از طرق فیزیکی می شود. در ادبیات حقوق بشر و حقوق اساسی این برداشت از آزادی بیان مدنظر است. در مقابل در کشورهای اروپایی مانند فرانسه برداشتی از آزادی بیان وجود دارد که صرفاً آزادی در بیان عقیده و نظر از طریق وسایل ارتباطی را شامل می شود. البته این برداشت از آزادی بیان، آزادی های رسانه ایی نظیر آزادی مطبوعات آزادی کلام و آزادی ارتباطات در بر می گیرد.^۳

به عقیده محققین^۴ آزادی بیان مستلزم حق های دیگری است از جمله؛ آزادی ابراز عقاید و افکار، آزادی در اشاعه و انتقال افکار، آزادی در تعیین مفاد بیان، آزادی در تعیین مخاطب بیان، آزادی در انتخاب وسیله بیان، آزادی در دریافت بیان و آزادی جستجوی اطلاعات؛ که مهمترین آنها را در ادامه بررسی میکنیم.

آزادی ابراز عقیده و نظر: این آزادی در مرحله بعد از آزادی پیشین قرار دذارد؛ یعنی اولاً اگر فردی بخواهد عقیده و نظری را ابراز کند مانعی در برابرش ایجاد نشود و ثانیاً اگر خواست عقیده و نظری را کتمان کند مجبور به ابراز نشود یا در صورت ابراز، حق پس گرفتن آن را داشته باشد. البته باید بین اشخاص حقوق خصوصی و اشخاص حقوق عمومی در این مورد قائل به تفکیک شد زیرا که اشخاص حقوق خصوصی آزادی کامل دارند اما اشخاص حقوق عمومی با محدودیت هایی مواجه اند.

آزادی اشاعه عقاید و افکار: بسیاری از اندیشه ها و عقاید بدون وجود این آزادی در جامعه منتشر نمی شود. به دیگر سخن اشخاصی که در شکل گیری یک عقیده نقش نداشته اند ولی مایل به انتقال آن عقیده به دیگران هستند و امکانات مادی لازم برای این امر را نیز در اختیار دارند باید بدون وجود موانع دست و پاگیر بتوانند به این کار اقدام کنند. به واقع این آزادی را باید با آزادی تاسیس و فعالیت موسسات چاپ نشر یکی دانست.

۱- ویژه، محمد رضا، کلیات حقوق اساسی، چاپ پنجم، تهران، سمت، ۱۳۹۷، ص ۱۴۶

۲- هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی، چاپ سوم، تهران، میزان، ۱۳۹۵، ص ۳۴۲

۳- انصاری، باقر، حقوق رسانه، چاپ دهم، تهران، سمت، ۱۳۹۷، ص ۸ و ۹

۴- همان، صص ۱۲ الی ۱۵ و ویژه، محمد رضا، کلیات حقوق اساسی، پیشین، ص ۱۴۷

آزادی تعیین مفاد بیان: بیان ها را از لحاظ مفاد و مضمون میتوان به بیان های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، تجاری و جنسی تقسیم کرد. مقصود از این تقسیم بندی ها آن است که نظام های حقوقی مختلف از بعضی این محتواها حمایت می کند و برخی دیگر را طرد یا ممنوع می کند یا با محدودیت مواجه می کند.

آزادی تعیین مخاطب بیان: به موجب این آزادی، شخصی که میخواهد عقیده خود را بیان کند آزاد است در مورد مخاطب خود نیز تصمیم گیری کند. انواع بیان ها به دو گروه عمده بیان های عمومی (برای اشخاص نامحدود و نامعین) و خصوصی (برای اشخاص محدود. د و معین) و بیان های حساس مانند گروه های سنی نظیر کودکان قابل تقسیم است.

مواد ۱۸ و ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، مواد ۱۸ و ۱۹ میثاق نامه حقوق مدنی و سیاسی، ماده ی ۱۰ کنواسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ی ۱۱ منشور حقوق بنیادین حقوق اتحادیه ی اروپا آزادی بیان را به رسمیت شناخته اند.

ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر می گوید: «هر انسانی محق به داشتن آزادی عقیده و [آزادی] بیان است؛ و این حق شامل آزادی داشتن باور و عقیده ای بدون [نگرانی] از مداخله [و مزاحمت] و حق جستجو، دریافت و انتشار اطلاعات و افکار از طریق هر رسانه ای بدون ملاحظات مرزی است.»

ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز در این زمینه مقرر می دارد: « ۱. هیچ کس را نمی توان به مناسبت عقایدش مورد مزاحمت و اخافه قرار داد. ۲. هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا بهر وسیله دیگر بانتخاب خود می باشد. ۳. اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم حقوق و مسئولیت های خاص است و لذا ممکن است تابع محدودیتهای معینی بشود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد الف. احترام حقوق با حیثیت دیگران. ب. حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی.»

آزادی بیان عقاید بوسیله ی ماده ی ۲ اعلامیه ی حقوق بشر شهروند سال ۱۷۸۹ فرانسه پذیرفته شده است که مقرر میدارد: «بیان و مبادله ی افکار و عقاید یکی از گرانباترین حقوق بشر است بنابراین هر شهروندی جز در موارد سوء استفاده از این آزادی پیش بینی شده توسط قانون میتواند آزادانه سخن بگوید بنویسد و منتشر کند.»

در قوانین داخلی نیز آزادی بیان از راه گفتار و به طور شفاهی نه به صورت مستقل بلکه به آزادی بیان در مطبوعات و نشریات و به اصطلاح «آزادی مطبوعات» در اصل ۲۴ قانون اساسی و آزادی بیان و نشر افکار در رادیو و تلویزیون در اصل ۱۷۵ اشاره شده است.

طبق اصل ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه محل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند.»

همچنین در اصل ۱۷۵ قانون اساسی آمده که «در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد. نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است و شورایی مرکب از نمایندگان رئیس جمهور و رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی

(هرکدام دو نفر) نظارت بر این سازمان خواهند داشت. خط مشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می کند.»

در نهایت اینکه اهمیت و جایگاه آزادی بیان تا حدی است که برداشت از این مفهوم در نظام های حقوقی آثار بسیار مهمی بر وضع، اجرا و تفسیر قوانین و مقررات رسانه ای و در کل وضعیت رسانه در کشورها دارد.

۲- رسانه

رسانه در لغت به معنای رساندن است. واژه **رسانه** در زبان فارسی واژه‌ی نسبتاً جدیدی محسوب می‌شود. این واژه که گاه به معنای مفرد و گاه به معنای جمع به کار می‌رود، معادلی برای واژه‌ی **Medium** (رسانه) و نیز **Media** (رسانه‌ها) است. هر ابزار، روش و وسیله‌ای که برای ارتباط به کار برود، رسانه است یا رسانه را به صورت تکنولوژی‌هایی که پیام‌ها را به مخاطبانی در نقاط مختلف (منطقه، کشور و حتی جهان) منتقل می‌کنند تعریف می‌کنیم. در علم ارتباطات، رسانه وسیله یا ابزاری برای رساندن داده یا اطلاعات است. رسانه می‌تواند به صورت متن، تصویر، صدا یا ترکیبی از این‌ها باشد. رسانه می‌تواند از طریق کانال‌های مختلفی مانند تلویزیون، رادیو، اینترنت، روزنامه، مجله و غیره منتشر شود. رسانه‌ها نقش مهمی در جامعه ایفا می‌کنند. آن‌ها می‌توانند به اطلاع‌رسانی، آموزش، سرگرمی و شکل‌دهی به افکار عمومی کمک کنند. رسانه‌ها همچنین می‌توانند به عنوان ابزاری برای قدرت و کنترل استفاده شوند. رسانه‌ها را می‌توان بر اساس ویژگی‌های مختلف طبقه‌بندی کرد. یکی از مهم‌ترین طبقه‌بندی‌ها، طبقه‌بندی رسانه‌ها بر اساس تعداد مخاطبان آنها است. بر این اساس، رسانه‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱- رسانه‌های جمعی: این رسانه‌ها پیام‌های خود را به تعداد زیادی از مخاطبان منتقل می‌کنند. رسانه‌های جمعی به انواع گوناگون: ۱- دیداری (گروه‌های ماهواره‌ای سینما، تلویزیون، هنرهای نمایشی و تجسمی خبرگزاری‌ها، بازی‌های رایانه‌ای، فرستنده‌های پرتابل و...) ۲- شنیداری (رادیو با موج‌های کوتاه، بلند و در برگیرنده موسیقی آهنگ و...) ۳- نوشتاری (کتب نشریات، روزنامه، شب‌نامه، اعلامیه و اوراق تبلیغی و...)، ارتباطی (تلفن بیسیم، فکس، تلکس، تلگراف و...)، ۴- الکترونیکی (اینترنت، تلفن همراه و...) تقسیم میشوند.

۲- رسانه‌های فردی: این رسانه‌ها پیام‌های خود را به تعداد محدودی از مخاطبان منتقل می‌کنند. از جمله رسانه‌های فردی می‌توان به نامه، تلفن، ایمیل و غیره اشاره کرد.

۳- رسانه‌های اجتماعی: رسانه‌هایی که امکان تعامل و مشارکت بین کاربران را فراهم می‌کنند، مانند شبکه‌های اجتماعی، وبلاگ‌ها و انجمن‌ها.

طبقه‌بندی دیگری که می‌توان برای رسانه‌ها قائل شد، طبقه‌بندی آنها بر اساس روش انتقال پیام است. بر این اساس، رسانه‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱- رسانه‌های مکتوب: این رسانه‌ها از طریق متن پیام‌های خود را منتقل می‌کنند. از جمله رسانه‌های مکتوب می‌توان به روزنامه‌ها، مجلات، کتاب‌ها، وبلاگ‌ها و غیره اشاره کرد.

۲- رسانه‌های غیرمکتوب: این رسانه‌ها از طریق سایر روش‌ها مانند صدا، تصویر و حرکت پیام‌های خود را منتقل می‌کنند. از جمله رسانه‌های غیرمکتوب می‌توان به رادیو، تلویزیون، سینما، اینترنت و غیره اشاره کرد.

رسانه‌ها تأثیر زیادی بر زندگی ما دارند. آن‌ها می‌توانند به ما کمک کنند تا در مورد جهان اطرافمان بیشتر بفهمیم، به ما آموزش دهند، ما را سرگرم کنند و حتی بر افکار و رفتار ما تأثیر بگذارند. مهمترین کارکردهای رسانه‌های موداردی از قبیل؛ **اطلاع‌رسانی**: رسانه‌ها به ما کمک می‌کنند تا از اخبار و رویدادهای مهم جهان آگاه شویم. **آموزش**: رسانه‌ها می‌توانند به ما کمک کنند تا مهارت‌ها و دانش جدیدی کسب کنیم. **سرگرمی**: رسانه‌ها می‌توانند به ما کمک کنند تا اوقات فراغت خود را به طور لذت‌بخشی بگذرانیم. **شکل‌دهی به افکار عمومی**: رسانه‌ها می‌توانند بر افکار و باورهای مردم تأثیر بگذارند؛ می‌باشد.

در مورد شیوه‌های تاسیس موسسات رسانه‌ای دو سیستم عمده در نظام‌های حقوقی وجود دارد که در ادامه بررسی می‌کنیم.^۱

در برخی کشورها اصل بر حداقل مداخله دولت در تاسیس این گونه موسسات است و دولت جز در تاسیس ایستگاه‌های رادیویی و تلویزیونی، در تاسیس سایر رسانه‌ها نقشی خاصی ندارد. در این نظام حقوقی مادام که رسانه‌ها تعرضی به حقوق خصوصی یا عمومی نکنند، دولت حق مداخله در فعالیت‌های آنها را ندارد. این نوع نگرش را نظارت یا کنترل پسینی می‌نامند.

در مقابل در برخی کشورها از جمله نظام حقوقی ایران، دولت‌ها در تمامی مراحل تاسیس و فعالیت موسسات رسانه‌ای دخالت و نظارت دارد و با پیش‌بینی شرایط و الزامات خاص، ایجاد و فعالیت این موسسات را تحت کنترل خود قرار می‌دهد. این نوع نگرش را نظام کنترل یا نظارت پیشینی می‌نامند

شیوه‌های مختلفی برای نظام‌دهی فعالیت‌های رسانه‌ای وجود دارد اما مهمترین این دسته بندی‌ها به سه نظام ۱- خود نظام‌دهی رسانه‌ای ۲- نظام‌دهی مشترک با دولت ۳- نظام‌دهی توسط دولت تقسیم می‌شود.^۲

۱- خود نظام‌دهی رسانه‌ای: این نوع نظام رسانه‌ای آن است که جامعه رسانه‌ای یک کشور یا گردانندگان یک حرفه رسانه‌ای خاص، راساً و بدون مداخله حکومت، با تدوین قواعد رفتاری و ایجاد نهاد‌های لازم برای تنظیم فعالیت‌های رسانه‌ای پردازد و حقوق آزادی‌های دیگران را رعایت کنند و خود را ملزم به تبعیت از اصول و قواعد حرفه‌ای کنند. روش‌ها و آیین‌های گوناگونی برای خود تنظیمی رسانه‌ای بکار می‌رود. تدوین مجموعه قواعد رفتاری، منشورهای حقوق و وظایف کارمندان و مدیران رسانه‌ها، آیین‌نامه‌های داخلی، تاسیس شوراها و هیات‌های مطبوعاتی و...

۲- نظام‌دهی مشترک با دولت: زمانی که رسانه‌ها در خود تنظیمی خود ناتوان یا ناکارآمد باشند و جامعه رسانه‌ای با شکست مواجه شود. نوبت به حکومت می‌رسد تا خود نظام‌دهی مناسبی را برقرار سازد. نکته‌ای که باید بدان توجه کرد اینست که دخالت دولت در این روش جنبه استثنایی، تکمیلی و فرعی دارد. در این مدل نظام‌دهی نهاد‌های قدرتمند همانند دولت نباید طوری دخالت کنند که منجر به ضعیف‌تر شدن نهاد‌های کوچک‌تر شود یا نباید در اموری

۱- برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: آگاه، وحید، «کاوشی در حقوق اداری نظام صدور مجوز هنرهای نمایشی در ایران»، فصلنامه حقوق اداری، سال ششم،

شماره ۱۶، ۱۳۹۷، صص ۱۱ و ۱۰

۲- انصاری، باقر، حقوق رسانه، پیشین، ص ۶۴

مداخله کند که خود نهاد های تنظیم گرا از پس آنها بر می آیند. دولت در این روش صرفاً کمک کننده است که به قدر ضرورت حق مداخله دارد.

۳- نظام دهی توسط دولت: در این مدل دولت ها در تمام امور خرد و کلان رسانه ها دخالت کرده و خود عهده دار تنظیم فعالیت های تک تک رسانه ها می باشند. این شیوه مانند نظارت پیشینی به هیچ وجه با حقوق و آزادی ها همخوانی ندارد.

گفتار دوم-انواع آزادی رسانه ایی

در این گفتار به سراغ مهمترین مصادیق آزادی های رسانه ایی می رویم و بصورت مفصل این موارد را بررسی می کنیم.

۱-آزادی مطبوعات

آزادی مطبوعات از لحاظ تاریخی و حقوقی یک آزادی فردی کلاسیک در مجموعه آزادی های بنیادی و عمومی به شمار می رود؛ و بدین معنی است که «هر شخصی بطور آزادانه از مطبوعات به عنوان نویسنده برای بیان و تبادل فکر و عقیده ی خود به دیگری یا به عنوان خواننده برای دستیابی به بیان فکر و عقاید دیگران استفاده کند».^۱

مطبوعات دارای دو مفهوم خاص و عام می باشد. در معنای خاص، به نشریات ادواری همانند روزنامه و مجله گفته می شود. ولی در معنای عام افزون بر نشریات شامل کتاب، اعلامیه، فیلم، نمایش نامه، اینترنت و رادیو و تلویزیون به اعتبار ابراهای نوین انتشار عقاید و افکارند نیز می شود.^۲ یکی از محققین معتقد است، مطبوعات «در دهه های اخیر دامنه وسیع تری پیدا کرده و وسایل ارتباطی جدید نظیر سینما، رادیو و تلویزیون و اینترنت را هم که در کنار روزنامه ها و مجله ها، به انتقال اطلاعات و اندیشه ها می پردازد، دربر گرفته است. به همین سبب مفهوم آزادی مطبوعات دیگر تمام این وسایل را پوشش نمی دهد و در این زمینه از مفهوم جدید آزادی اطلاعات استفاده می شود».^۳

در بیان و تبادل عقاید اهمیت و نقش نوشته های چاپی قابل ملاحظه است و در جامعه ی مردم سالار، آزادی مطبوعات از جمله حقوقی است که افکار عمومی بدان اهمیت فراوان می دهد. آزادی مطبوعات یکی از مهمترین آشکال آزادی بیان است، زیرا این آزادی با ایجاد زمینه ی مبادله و ارتباط آزاد میان هزاران یا میلیونها انسان به طور مستقیم در شکل گیری افکار عمومی نقش بازی میکند مانند انتشار رسوایی و اترگیت در آمریکا توسط مطبوعات. به خاطر همین ویژگی آزادی مطبوعات است که افراد و نظامهای مستبد به مبارزه با آن بر می خیزند. این آزادی با فراهم کردن زمینه ی تبادل عقاید و توسعه ی روحیه ی انتقاد لزوماً دیر یا زود قدرت سیاسی موجود را زیر سؤال می برد همین اثر متزلزل کننده است که برای یک دیکتاتور که هدف اساسی و انحصاری وی حفظ قدرت به مدت طولانی و به هر قیمتی است پذیرفتنی نمیباشد در این خصوص اعتراف ناپلئون بناپارت جالب است که میگفت: «اگر مطبوعات را آزاد بگذارد به مدت سه ماه هم نمیتواند در قدرت باقی بماند». به لحاظ تطبیقی، جوامع مردم سالار از آزادی مطبوعات نمی هراسند، زیرا وجود این آزادی برای شکوفایی آنها ضروری است این جوامع برای حفظ پلورالیزم و چندگانه گرایی افکار و گرایشها که بر پایه ی آن استوارند به این آزادی نیاز دارند اثر متزلزل کننده ی این آزادی با فراهم کردن زمینه ی حضور رقبا و گرایشهای

۱- عباسی، بیژن، حقوق بشر و آزادی های بنیادین، چاپ اول، تهران، دادگستر، ۱۳۹۵ ص ۷

۲- طباطبایی مومنی، منوچهر، آزادی های عمومی و حقوق بشر، چاپ هشتم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۸ ص ۱۰۱

۳- معتمد نژاد، کاظم، معتمد نژاد، رویا، حقوق ارتباطات، ج ۱، چاپ اول، تهران، دفتر مطالعات و تحقیقات رسانه ها، ۱۳۸۸، ص ۱۶۵

مخالف قدرت موجود در تحقق چند گانه گرای سیاسی مشارکت دارد. در عین حال نباید مطبوعات را به عنوان رکن یا قوه ی چهارم مردم سالاری نام برد زیرا نقش آنها در یک نظام مردم سالار به روشن کردن افکار عمومی محدود می گردد و افکار عمومی است که تنها دارنده ی حق حاکمیت و قدرت تصمیم گیری است و به هنگام انتخابات و همه پرسی ها به عنوان مردم حاکم تجلی می یابد.

چهار خطر همیشه آزادی مطبوعات را تهدید مینماید که عبارتند از:

۱- ایجاد نظام پیشگیری پلیسی و سانسور

۲- ارباب توسط قدرت سیاسی از راه برقراری جرم عقیدتی

۳- مطیع سازی مطبوعات نسبت به دولت

۴- قدرت پول و فشار مالی.

مطبوعات دارای هزینه های بسیاری هستند که تنها از راه فروش مجلات با روزنامه و تبلیغات قادر به جبران هزینه های خود نمیباشند لذا دولت باید به مطبوعات بویژه مطبوعاتی که به لحاظ مالی ضعیفند از راههای گوناگون کمک مالی نماید مانند دادن یارانه وام جلوگیری از ورشکستگی آنها کاهش هزینه های پستی تخفیف و یا معافیت در مالیات ها و عوارض حرفه ای و... در غیر این صورت انتشار مطبوعات در دست عده ای محدود که دارای تمکن مالی و نفوذ سیاسی باشند قرار گرفته و در این عرصه انحصار شکل می گیرد.^۱

در برخی از جرایم مانند جرایم سیاسی و مطبوعاتی که بیش از دیگر جرایم با افکار عمومی در ارتباط هستند از هیات منصفه که یک نهاد قضایی - مردمی و بازتاب دهنده ی وجدان عمومی است استمداد می شود و در نتیجه قوانین خشک و بی روح با مقتضیات عدالت و انصاف متناسب می گردد. در حقوق ایران هیات منصفه در اصل ۷۹ متمم قانون اساسی مشروطیت پیش بینی شده است و به موجب این اصل حضور هیات منصفه در جرایم سیاسی و مطبوعاتی الزامی بود. برابر اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی «رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیات منصفه در محاکم دادگستری صورتی می گیرد». طبق ماده ۱۳ قانون هیئت منصفه مصوب ۱۳۸۲ «پس از اعلام ختم رسیدگی بلافاصله اعضای هیات منصفه به شور پرداخته و نظر کتبی خود را در دو مورد زیر به دادگاه اعلام می دارند: الف - متهم بزهکار است؟ ب - در صورت بزهکاری آیا مستحق تخفیف است یا خیر؟ پس از اعلام نظر هیات منصفه دادگاه در خصوص مجرمیت یا براءت متهم اتخاذ تصمیم نموده و طبق قانون مبادرت به صدور رای می نماید».

آزادی مطبوعات در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق نامه بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، منشور حقوق بنیادین اتحادیه ی اروپا و قوانین اساسی کشورهای گوناگون به آن اشاره شده است. در ایران نیز مطبوعات و آزادی آن از دوره مشروطه دارای نظام حقوقی بوده و قوانین متعددی برای آن نوشته شده است. اصل ۱۳ قانون اساسی مشروطه، اصل ۲۰ متمم قانون اساسی مشروطه و اصل ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آزادی مطبوعات پرداخته است. همچنین اولین قانون مطبوعات ایران در سال ۱۳۲۶ ه.ق به رعایت اصل آزادی انتشار روزنامه ها اشاره کرده است.^۲

۱- عباسی، بیژن، حقوق بشر و آزادی های بنیادین، پیشین، ص ۱۵۹

۲- معتمد نژاد، کاظم، معتمد نژاد، رویا، حقوق مطبوعات، ج ۲، چاپ اول، تهران، دفتر مطالعات و تحقیقات رسانه ها، ۱۳۹۵، ص ۱۷۱

محدودیت ها

جرایم ارتكابی مطبوعات میتواند شامل، اهانت، افترا تعرض به اخلاق حسنه (برای نمونه: دفاع از جرم، مطالب رکیک و زننده تعرض به حریم خصوصی، تهدید اشخاص به هتک حرمت افشای اسرار، شخصی، تحریک به تبعیض نژادی، انتشار تصمیمات و دستورهای محرمانه ی نظامی و غیر نظامی مذاکرات غیرعلنی مجلس، اعمال منافی عفت، اهانت به مقامات عمومی و غیره گردد).

در مواد ۱۸ تا ۲۵ قانون مطبوعات ایران جرایم مطبوعاتی آمده است. در این موارد شاکی میتواند خسارت مادی و معنوی ناشی از جرم را مطالبه و دادگستری پروانه ی نشریه ی مربوط را به طور موقت یا دایم لغو کند. لغو پروانه ی مطبوعات با دادگاه و توقیف پروانه مطبوعات با هیات نظارت بر مطبوعات است.

در بند ۳ ماده ی ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی اعلام می دارد که اعمال حقوق مزبور در بند ۲ (آزادی عقیده، بیان و مطبوعات) مستلزم حقوق و مسئولیت های خاصی است و لذا ممکن است تابع محدودیت های معینی شود که در قانون تصریح شده است و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد: الف - احترام به حقوق یا حیثیت دیگران ب - حفظ امنیت ملی نظم عمومی سلامت یا اخلاق عمومی.

درباره ی حدود مطبوعات در کشورمان، اصل ۲۴ قانون اساسی مقرر داشته است که نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند.

عدم اخلال به مبانی اسلام

از مباحثات میان خبرگان قانون اساسی به هنگام تصویب این اصل چنین بر می آید که عنوانهایی همچون توهین به مقدسات اسلام و شعایر دینی و نشر کتب ضاله مبتنی بر رد خدا و پیغمبر و تضعیف عقاید مردم از موارد اخلال به مبانی اسلام است.^۱

بند ۱ ماده ی ۶ قانون مطبوعات نیز با ممنوعیت «نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی» به عنوان موارد اخلال به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی عرصه را بر بیان عقاید غیردینی بسته است. البته نباید از یادمان برود که اهانت به اسلام و شعایر دینی افزون بر ممنوعیت، شرعی منتهی به اخلال در نظم عمومی و جریحه دار شدن افکار و احساسات عمومی نیز می گردد.

عدم اخلال به حقوق عمومی

از مباحثات میان خبرگان قانون اساسی به هنگام تصویب این اصل بر می آید که عنوان های مخالفت با عفت عمومی، افترا، تعرض به شرف و حیثیت انسانی و هتک حیثیت اشخاص، ترویج فساد، انتشار مطالبی که موجب گمراهی مردم می گردد، فاش کردن اسرار نظامی، مطالب مخل استقلال و یکپارچگی سرزمینی کشور، مطالب مخل امنیت عمومی، نشر اکاذیب، توطئه و تحریک مردم علیه حکومت از موارد اخلال به حقوق عمومی می باشد.

۲- آزادی رادیو و تلویزیون

اگر امروزه همه ی مردم نشریات یا کتاب مطالعه نمی کنند ولی غالب آنها از یک دستگاه رادیو و تلویزیون برخوردارند؛ بنابراین آنها در آگاه ساختن مردم از اخبار، اطلاعات و رویدادها و روشن کردن و شکل گیری افکار عمومی نقش

مهمی دارند. آزادی رادیو و تلویزیون به معنی آزادی ایجاد شرکتهای رادیویی و تلویزیونی آزادی رادیو و تلویزیون در پخش برنامه ها و آزادی شنوندگان و بینندگان به دریافت برنامه های انتخابی آنها می باشد. امروزه نشر و نمایش عقاید و افکار به روشهای متعدد صورت می گیرد و برخی فنون و وسایل جدید ارتباط جمعی مانند رادیو و تلویزیون بیش از پیش اهمیت یافته اند.

آزادی رادیو و تلویزیون به معنی آزادی تاسیس و اداره ی این رسانه ها توسط اشخاص می باشد. افراد با توجه به قوانین و مقررات در تهیه و ارائه برنامه های آنها شامل اخبار هنر (موسیقی) ... آزاد هستند. همچنین این آزادی شامل آزادی شنوندگان و بینندگان به دریافت برنامه های دلخواه و انتخابی آنها می باشد. در بهره گیری از این آزادی باید حفظ و رعایت نظم عمومی آزادی دیگران و تکرر و چندگانه گرایی مدنظر قرار گرفته شود. در بسیاری از کشورها به تدریج انحصار عمومی و دولتی در بخش رادیو و تلویزیون محدود شده است و قوانین ایجاد و استفاده از این رسانه ها را آزاد اعلام کرده و در کنار رادیو و تلویزیون عمومی، فعالیت بخش خصوصی را نیز در این امر مجاز شمرده اند. معمولاً در کشورها این آزادی به دلیل محدودیت اختصاص فرکانس های رادیویی و تلویزیونی و ابعاد آن نیاز به مجوز و موافقت قبلی مقامات عمومی دارد.

ماده ی ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر ماده ی ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ی ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مربوط به آزادی مطبوعات قابل تسری به آزادی رادیو و تلویزیون نیز میباشد. ماده ی ۱۱ منشور حقوق بنیادین اتحادیه ی اروپا نیز مقرر می دارد: «آزادی رسانه ها و چندگانه گرایی آنها محترم هستند».

در کشور ما آزادی بیان و نشر افکار در رادیو و تلویزیون در اصل ۱۷۵ قانون اساسی اشاره شده است. این اصل مقرر میدارد: «در صدا و سیمای جمهوری اسلامی آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تامین گردد».

بر طبق اصل اخیر، خط مشی و ترتیب اداره ی سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می کند نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی نیز با مقام معظم رهبری است. قانون خط مشی کلی و اصول برنامه های صدا و سیما نیز در تاریخ ۱۷/۴/۱۳۶۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. به موجب ماده ی ۲ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب سال ۱۳۸۷ رادیو و تلویزیون جزء فعالیت های اقتصادی گروه ۳ در جمهوری اسلامی به شمار آمده که در اختیار و انحصار دولت قرار دارد.

محدودیت ها

الف- ساختار و تاسیس

رسانه های گروهی از قبیل رادیو و تلویزیون در نشر عقاید و نقل و جریان اطلاعات، برنامه ها و اخبار باید اصول، آزادی برابری بی طرفی، استقلال، صحت و تام صداقت را در نظر بگیرند. همچنین این رسانه ها با توجه به دامنه و حجم گسترده ی امین مخاطبان خود باید موازین مربوط به نظم عمومی یا امنیت و دفاع ملی را مدنظر قرار دهند و به آثار و پیامدهای پخش برنامه های خود در جامعه آگاه باشند.

معمولاً رادیوها و تلویزیونها در کشورهای مختلف زیر نظارت یک شورای نظارت بر رادیو و تلویزیون که یک مرجع مستقل اداری است قرار دارند مانند شورای عالی دیداری و شنیداری در فرانسه (CSA) یا شورای نظارت بر صدا و سیمای ج. مرکب از نمایندگان رئیس جمهور، رئیس قوه ی قضاییه و مجلس شورای اسلامی (هر کدام دو نفر) (اصل

۱۷۵) قانون اساسی که دارای صلاحیت های متعددی و مامور حفظ و احترام به آزادی رادیو و تلویزیون و نظارت بر این رسانه ها میباشند.^۱

ب- محتوا

این محدودیتها میتواند مربوط به برقراری شرایط و نظاماتی برای پخش پیام های بازرگانی باشد؛ مثلا در برخی کشورها این پیام ها پیش از پخش نیاز به صدور مجوز از سوی شورای نظارت بر رادیو و تلویزیون دارند یا این که می توان در برنامه ها از قبیل فیلم های مستند مجموعه های داستانی فیلمهای سینمایی ... سهمیه ی بیشتری را برای برنامه های ساخت کشور متبوع و محل پخش اختصاص داد.

همچنین برحسب نوع نظام سیاسی کشورها رادیوها و تلویزیون ها حق تعرض به اخلاق حسنه و کرامت انسانی را ندارند و پخش برنامه های مستهجن و غیر اخلاقی ممنوع میباشد.

همانند مطبوعات برای همه ی اشخاص حقیقی یا حقوقی که حقوق حیثیت و اعتبار آنها به موجب یکی از برنامه های رادیویی و یا تلویزیونی عمومی یا خصوصی زیر سوال رفته است حق پاسخگویی در نظر گرفته شده است (قانون الحاق یک ماده به قانون اساسنامه ی صدا و سیما مصوب ۷/۱۱/۱۳۸۸ مجمع تشخیص مصلحت درباره ی حق پاسخ گویی در خصوص برنامه های این سازمان).

در اصل ۱۷۵ قانون اساسی نیز مقرر شده که در صدا و سیما جمهوری اسلامی آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید باشد. همچنین ماده ی ۱ قانون خط مشی کلی و اصول برنامه های صدا و سیما مصوب سال ۱۳۶۱ یکی از اصول عام و کلی خط مشی سازمان را پرهیز از پخش برنامه های مخالف معیارهای اسلامی مقرر داشته است.

۳- آزادی نمایش

آزادی نمایش که گونه ای از آزادی های فکری است، نقش مهمی در بیان و نشر عقاید، افکار و فرهنگ دارد. آزادی نمایش به آزادی در حوزه ی تئاتر، سینما، خیمه شب بازی، سیرک و کنسرت های موسیقی مربوط می گردد. نظام حقوقی نمایش برحسب نوع آن (تئاتر، سینما، نمایش عروسکی و ...)، متفاوت و هدف عمده و ابتدایی آن تفریح و سرگرم کردن تماشاچیان است.

آزادی نمایش در ماده ی ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ی ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی زیر عنوان آزادی بیان و ازافکار به صورت هنری پذیرفته شده است؛ و اشاعه ی برای تحقق و عینیت بخشیدن به این حق، دولت و دیگر نهادهای عمومی باید به کمک مالی افراد و نهادهای فعال در این عرصه پردازند.

دولت ها در خصوص موسسه ها و شرکت های مربوط به نمایش؛ مداخله و نظارت می نماید. انجام نمایش نیاز به موافقت و مجوز قبلی اداره و مقامات انتظامی از قبیل یک کمیسیون نظارتی دارد.

سانسور همیشه تعرض به آزادی بیان نیست بلکه اغلب برای جلوگیری از منافع تجاری محض است. آیا میتوان نمایش هایی را پذیرفت که به کرامت انسانی و اعتقادات عامی مردم تعرض با تحریک به تبعیض نژادی یا نقض حقوق و آزادیهای بنیادین شهروندان می کند. همچنین نمایش هایی که در سطح معابر عمومی انجام می شود نیاز به اجازه ی

اداره دارد. تاسیس شرکت های سینمایی برای تولید فیلم ایجاد سالن های نمایش و سینما عرضه ی برنامه ها و اشتغال به مشاغل هنری نیز به موافقت و مجوز قبلی مقامات اداری نیاز دارند. این شرکتها میتوانند از کمک مالی یا وام هایی برخوردار شوند. هیچ فیلمی بدون مجوز یک کمیسیون نظارتی اداره مثلا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در کشورمان تولید و اکران نمی شود.

اداره می تواند از عرضه ی نمایش ها و فیلم هایی که مغایر نظم عمومی، اخلاق حسنه عفت عمومی و کرامت انسانی باشد جلوگیری کند. شورای دولتی فرانسه در یکی از تصمیمات اخیر خود کرامت انسانی را به عنوان یکی از عناصر نظم عمومی شمرده است. به همین خاطر اقدام مقامات پلیس اداری شهرداری را در جلوگیری از نمایشی که در آن افراد کوتوله به جای دوری پرتاب میگردیدند تایید کرد^۱.

همچنین اداره میتواند نشان دادن فیلم برای افراد صغیر کمتر از ۱۲ یا ۱۶ یا ۱۸ سال یا کودکان و نوجوانان را ممنوع نماید همه ی این تصمیمات و اقدامات اداره باید تحت نظارت قضایی دادگاه صورت گیرد و ذینفع حق مراجعه به این دادگاه را در صورت اعتراض داشته باشد.

محدودیت ها

محدودیت های این آزادی از یک سو شامل احترام به قوانین کیفری و از سوی دیگر، الزامات و محدودیت های مربوط به نظم عمومی می. باشد. بنابه مقتضیات نظم عمومی اداره میتواند برخی نمایش ها را ممنوع نماید. نمایش های غیراخلاقی و مستهجن و یا مشوق خشونت که برای نظم عمومی زیان بار است می تواند ممنوع گردد. نمایش ها به سبب این که موجب تجمع افراد زیادی در سالن های عمومی (تئاتر و سینما) می گردد مقرراتی درباره ی تضمین امنیت آنها در نظر گرفته میشود که عبارتند از: ایمنی و بهداشت سالن ها، تامین نظم و امنیت در میان تماشاچیان، مساله ی صلاحیت فنی و اخلاقی مدیران و گردانندگان نمایش ها، چگونگی نظارت بر نمایش نامه ها و فیلم نامه ها از لحاظ اخلاقی و امنیت ملی و...

گفتار سوم - محدودیت ها

در گفتار قبلی محدودیت های مرتبط به هر آزادی را بطور مجمل بررسی کردیم. در این گفتار دو تا از مهم ترین محدودیت های آزادی های رسانه ایی که یکی معطوف به حوزه خصوصی است و دیگری حوزه عمومی و در بیشتر اسناد بین المللی و داخلی به انحای مختلف به آن اشاره شده است را بیشتر بررسی می کنیم.

۱- امنیت ملی

امنیت ملی مهم ترین و نخستین محدودیت آزادی بیان است. برآستی اگر سطح معقولی از امنیت وجود نداشته باشد، جامعه نمی تواند از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شهروندان خود پاسداری کند. دولت ها همواره با استناد به این اصل تصمیمات و تدابیری را اتخاذ می کنند و اقداماتی را علیه حقوق و آزادی ها انجام می دهند. امنیت ملی یک مفهوم کلی و مبهم است و برداشت های متفاوتی از آن می شود و تاحدی سوء استفاده دولت ها از این اصل نیز به دلیل همین ابهام است.

۱- عباسی، بیژن، حقوق بشر و آزادی های بنیادین، پیشین، ص ۱۷۵

می توان امنیت ملی را به وجود اطمینان خاطر برای دولت و شهروندان مبنی بر اینکه، تمامیت سرزمینی یا حکومت آنها در معرض تهدید داخلی یا خارجی قرار ندارد تعبیر کرد؛ یعنی، امنیت ملی امری است که تنها در صورت وجود تهدید علیه امنیت ارکان و عناصر یک دولت-کشور می توان به آن متوسل شد و وجود تهدید نسبت به بخش هایی از یک نظام حکومتی، برخی اشخاص حکومتی یا برخی گروه ها علی الاصول، تهدید علیه امنیت ملی محسوب نمی شود.

تعریف امنیت ملی در دو گفتمان سلبی و ایجابی بیان شده است. در گفتمان سلبی، امنیت ملی به پاسداری از سرزمین، حاکمیت و مردم در مقابل خطرات و تهدیدات دشمنان کشور معطوف است. در گفتمان ایجابی، امنیت ملی ضمن حفظ منافع ملی به دنبال کسب فرصت ها برای توسعه و پیشرفت نیز می باشد. امنیت ملی ممکن است در عرصه های مختلف فردی، گروهی و ملی از سوی عوامل داخلی یا خارجی در معرض تهدید قرار گیرد.

احصا و پیش بینی مصادیق بیان های مخالف با امنیت ملی در قوانین و مقررات غیر ممکن است. هر زمان امکان دارد اطلاعاتی تولید و کشف شود که افشای آنها در رسانه ها، امنیت ملی را به مخاطره بیندازد. گاهی انتشار یک امر به ظاهر کم اهمیت ممکن است برای امنیت خطر آفرین باشد و گاهی برعکس، اطلاعاتی که اصولاً مرتبط با امنیت ملی قلمداد می شوند ممکن است قابل انتشار در رسانه ها شناخته شوند. از این رو، به نظر می رسد که تشخیص مصادیق امنیت ملی بیش از آنکه جنبه حقوقی داشته باشد صبغه امنیتی دارد و دادرسان در مقام رسیدگی به جرایم علیه امنیت ملی باید از نظر کارشناسی مراجعتخصصی استفاده کنند و صرفاً بر مبنای یافته های حقوقی خود درباره این جرایم قضاوت نکنند.

برخی از مصادیق بیان مخالف با امنیت ملی عبارتند از:

۱- جرایم تروریستی: جرایمی هستند که با اهداف سیاسی علیه مقامات دولتی، اموال و تاسیسات دولتی یا عمومی یا شهروندان ارتکاب می یابند. هواپیما ربایی، راهزنی دریایی، بمب گذاری، گروگان گیری، آلوده کردن شدید محیط زیست، کشتن مقامات دولتی از مصادیق مهم اعمال تروریستی هستند.

۲- جرایم سیاسی: برخی معتقدند جرم سیاسی، جرمی است که به تشکیلات و کار قوای عمومی یا به منافع سیاسی کشور یا به حقوق اساسی شهروندان لطمه وارد کند. تبلیغ علیه نظام، تحریک نیروهای مسلح به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم انجام وظایف نظامی، تحریص و تشویق گروه ها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع ملی، اغوای مردم به جنگ و کشتار یکدیگر از مصادیق مهم جرایم سیاسی هستند.

۲- حریم خصوصی

حریم خصوصی یکی از حدود مهم آزادی بیان و اطلاعات است که در اسناد بین المللی مختلفی نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و قوانین اساسی بسیاری از کشورها بر لزوم حمایت از آن تصریح شده است. به موجب این اصل فعالین حوزه رسانه مکلف اند که از جستجو، جمع آوری، تکثیر، انتشار و اشاعه ی اطلاعات مرتبط با امور خصوصی افراد خودداری کنند.

در تعریفی ساده حریم خصوصی را می توان قلمروی از زندگی انسان دانست که نوعاً (یعنی اینکه برخی جنبه های زندگی نوع انسان صرف نظر از جامعه و محیطی که او در آن زندگی می کند خصوصی محسوب می شود) یا عرفاً (یعنی عرف برخی جوامع و اجتماعات ممکن است امری را خصوصی بدانند. عرف جوامع اسلامی، عرف جوامع غربی، عرف کلان شهرها از جمله این عرفها هستند.) یا شخصاً (یعنی انسانها می توانند برخی جنبه های زندگی خود را که

نوعاً یا عرفاً از شمول حریم خصوصی خارج است جزء مسائل شخصی و داخل در قلمرو حریم خصوصی خود اعلام کنند)، رضایت ندارد دیگران او را در آن قلمرو به انحای مختلف مورد تعرض قرار دهند.

برای شناسایی حریم خصوصی باید معیارهایی را مدنظر قرار داد. در واقع ادعای خصوصی بودن یک امر در نظام حقوقی در صورتی قابل پذیرش که با توجه به برخی معیارها، متعارف و مشروع باشد. در غیر این صورت ادای حریم خصوصی یک فرد ممکن است یا کاملاً مردود شناخته شود یا در قلمروی محدودتر از آنچه ادعا فرد است پذیرفته شود. معیارهایی که برای احراز متعارف و مشروع بودن ادعای افراد نسبت به حریم خصوصی به کار می روند، مواردی است از قبیل عمومی یا خصوصی بودن مکان نقض حریم خصوصی، عادی یا حساس بودن موضوع حریم خصوصی، استفاده احتمالی از اطلاعات حاصل از نقض حریم خصوصی، وسایل و روشهای نقض حریم خصوصی، موقعیت اجتماعی مدعی نقض حریم خصوصی، تفکیک بین مقامات و شخصیت های عمومی با شهروندان عادی، رضایت یا عدم رضایت به نقض حریم خصوصی و وجود یا نبود رابطه بین مدعی حریم خصوصی و نقض کنند آن.^۱

مواردی که آزادی بیان در رسانه به استناد حمایت از حریم خصوصی محدود می شود عبارت است از:

حریم خصوصی قربانیان جرایم، حریم خصوصی نسبت به اشخاص مصیبت زده و عزادار، حریم خصوصی به هنگام ضبط وقایع در بیمارستان ها، حریم خصوصی در مراسم تشییع و تدفین، حریم خصوصی طرفین دعوا در دادرسی ها، حریم خصوصی سوابق کیفری افراد، حریم خصوصی در مصاحبه های کمیسی، حریم خصوصی در جمع آوری از اطلاعات پنهانی، افشای وقایع خصوصی، حریم خصوصی و حق تصویر افراد، افشای جرایم واجد حیثیت عمومی بیشتر، افشای رفتارهای خلاف قانون و غیر اخلاقی، افشای ریاکاریهای عمومی.

بطور خلاصه؛ در قانون اساسی (اصل ۲۵؛ اصل ۲۲؛ اصل ۱۶۵)، قانون مجازات اسلامی (مواد ۵۲۸، ۶۴۱، ۶۰۴ و ۶۴۸ از حق حریم خصوصی دفاع می کند؛ مواد ۵۸۲ و ۶۰۴ برای نقض حریم خصوصی از سوی کارمندان دولت مجازات تعیین شده است؛ مواد ۶۴۱ و ۶۴۸ برای نقض حریم خصوصی از سوی مردم)، قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت های غیر مجاز می نمایند مصوب ۱۳۷۲ (ماده ۴ و ۵ و ۱۰)، قانون جرایم رایانه ای مصوب ۱۳۸۸ (با عبارت صوت یا تصویر خانوادگی یا اسرار دیگری در مواد ۱۷ و ۳۲)، قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹ (با عبارت اسرار شخصی)، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات (مطابق ماده ۱۴ حریم خصوصی یکی از استثنای مهم حق دسترسی است یا عبارت «داده های شخصی» مندرج در ماده ۱۵)، مقررات و ضوابط شبکه های اطلاع رسانی رایانه ای مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی (با عبارت «حریم خصوصی») حریم خصوصی مورد حمایت قرار گرفته است.

نتیجه

این پژوهش به بررسی اجمالی آزادی بیان، انواع و مصادیق آزادی رسانه ای و محدودیت های آن، به ویژه دو محدودیت مهم امنیت ملی و حریم خصوصی می پردازد. نتیجه کلی این است که آزادی بیان به سلامت مادی و معنوی جامعه کمک می کند و به اعتقاد برخی اندیشمندان، چارچوبی را فراهم می کند که در آن تعارض های ضروری برای

پیشرفت جامعه به طور مسالمت آمیز حل و فصل می شوند. بحث های آزاد به افزایش انسجام جامعه کمک می کند و آمادگی افراد و گروه ها را برای پذیرش تصمیماتی که در فرآیند اتخاذ آنها مشارکت داشته اند، افزایش می دهد. با این حال، نقش رعایت حدود در آزادی رسانه انکارناپذیر است. آزادی رسانه نباید منجر به نقض حقوق و آزادی عمومی افراد، گروه ها و احزاب شود یا امنیت ملی جامعه، نظم عمومی و اخلاق حسنه را خدشه دار کند. از سوی دیگر، حذف آزادی رسانه پیامدهای ناگوار در پی دارد. آزادی بیان در نظام حقوقی ایران یک موضوع پیچیده و بحث برانگیز است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان را تضمین کرده است، اما در عمل، محدودیت های زیادی بر آن اعمال می شود.

محدودیت های آزادی بیان در ایران به اشکال مختلفی دیده می شود. برخی از این محدودیت ها قانونی هستند و در قوانین مختلف مانند قانون مطبوعات و قانون مجازات اسلامی ذکر شده اند. برخی دیگر از محدودیت ها، ناشی از تفسیرهای خاص از قوانین و اعمال سلیقه ای آنها هستند. با این وجود، تلاش هایی برای افزایش آزادی بیان در ایران صورت گرفته است. برخی از فعالان سیاسی و مدنی، خواستار اصلاح قوانین و رفع محدودیت های آزادی بیان هستند. همچنین، با گسترش اینترنت و شبکه های اجتماعی، فضای جدیدی برای بیان نظرات مختلف ایجاد شده است. در مجموع، آزادی بیان در ایران، با چالش های زیادی روبروست. برای رسیدن به یک فضای آزادتر برای بیان نظرات مختلف، لازم است که قوانین اصلاح شوند و محدودیت های اعمال شده بر آزادی بیان، کاهش یابد.

منابع و مآخذ

آگاه، وحید، «کاوشی در حقوق اداری نظام صدور مجوز هنرهای نمایشی در ایران»، فصلنامه حقوق اداری، سال ششم، شماره ۱۶، ۱۳۹۷

اسماعیلی، محسن، «مقدمه ای بر حقوق رسانه ها» فصلنامه حقوق گواه، شماره ۱۳، ۱۳۸۷

احمدی، سید محمدصادق و علیرضا ناصری و مرتضی قاسم آبادی، «بررسی تطبیقی محدودیت های آزادی بیان در تلویزیون از منظر اسناد بین الملل حقوق بشر و حقوق موضوعه ایران»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال هجدهم، شماره ۵۲، ۱۳۹۵

انصاری، باقر، حقوق رسانه، چاپ دهم، تهران، سمت، ۱۳۹۷

دوریو، امانوئل، حقوق رسانه ها، ترجمه مجید ادیب، چاپ اول، تهران، میزان، ۱۳۹۳

رستمی خوراسگانی، اکبر، «حقوق رسانه، آزادی بیان و حقوق بشر»، جامعه شناسی ارتباطات، سال دوم، شماره هشتم، ۱۴۰۱

عباسی، بیژن، حقوق بشر و آزادی های بنیادین، چاپ اول، تهران، دادگستر، ۱۳۹۵

معتمد نژاد، کاظم، معتمد نژاد، رویا، حقوق ارتباطات، ج ۱، چاپ اول، تهران، دفتر مطالعات و تحقیقات رسانه ها، ۱۳۸۸

معتمد نژاد، کاظم، معتمد نژاد، رویا، حقوق مطبوعات، ج ۲، چاپ اول، تهران، دفتر مطالعات و تحقیقات رسانه ها، ۱۳۹۵

موتمنی، منوچهر، آزادی های عمومی و حقوق بشر، چاپ هشتم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۸

ویژه، محمد رضا، کلیات حقوق اساسی، چاپ پنجم، تهران، سمت، ۱۳۹۷

هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی، چاپ سوم، تهران، میزان، ۱۳۹۵